

گوثر رسالت

وهاب دانش پژوه

بسم الله الرحمن الرحيم
إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثِرَ . فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ .
إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ .

بنام خداوند بخشنده مهربان . ما به تو خیر

کثیر دادیم . پس برای پروردگارت نماز بگزار و در تعظیم حق ، دستان خویش بالا ببر
(قربانی کن) . همانا او که تو را ابتر می خواند خود ابتر و بی ثمر است .

سیمای سوره

این سوره سه آیه دارد و در مکه نازل شده و کوچکترین سوره قرآن کریم است . نام
سوره از آیه نخست آن برگرفته شده و به معنای خیر کثیر و فراوان است ،^۱ بر اساس روایات
متعدد از شیعه و سنی ، عاص بن وائل سهمی^۲ پس از آن که پسران پیامبر (ص) از دنیا
رفتند ، از روی طعنه و زخم زبان ، پیامبر را ابتر خواند . خداوند برای تسلی خاطر پیامبر (ص)
و پاسخ به این سخن نابجا ، سوره کوثر را نازل فرمود و ناکام بودن دشمنان و دوام و بقای
نسل و فکر پیامبر اسلام (ص) را خبر داد .^۳

در قبال اعطای نعمت کوثر ، پیامبر اکرم (ص) دستور می یابد تا از پروردگار خویش
تشکر کند . و به شکرانه این نعمت بزرگ ، نماز بخواند و آن را با تعظیم و احترام همراه

سازد، به گونه ای که هنگام گفتن تکبیر دست های خود را تا بُناگوش بالا ببرد و عظمت حق را به نمایش بگذارد. از این جا معلوم می شود نماز و عبادت بهترین هدیه و قدردانی است که بنده می تواند در موقع نعمت و شادی به درگاه الهی تقدیم بدارد. احسان و نیکوکاری در راه خدا نیز از مصادیق شکر عملی بوده و موجب زیادی نعمت می شود که گفته اند: شکر نعمت نعمت افزون کند.

معنای کوثر

کوثر صفت مبالغه از کثرت به معنای سرچشمه خودجوش و خیر بسیار، و شائئ اسم فاعل از شنء به معنای دشمنی و کینه توزی است و ابتر شخص نازا، دم بریده و بی نام و نشان را گویند. جمله اسمیه **إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ** به همراه ضمیر جمع متکلم، بر تأکید نعمت اعطا و تخصیص و تعظیم آن دلالت دارد و این اعطاء بی پایان است و پیوسته افزایش می یابد. از آنجا که کوثر به معنای منبع جوشان و افزاینده است و در ظاهر آیه، قرینه ای برای تحدید آن وجود ندارد، همه نوع خیر و خوبی را شامل می شود و شاید به قرینه عهد و خطاب، همان سرچشمه فیاض وحی و نبوت باشد که سایر خیرات از مصادیق و آثار آن محسوب گردد. همین کوثر از طریق ذریه پاک حضرت زهرا(س) و امامان معصوم(ع) جریان یافت و موجب تکثیر نسل پیامبر(ص) و هدایت خلق گردید.^۴

برای کوثر معانی متعددی ذکر شده که یکی هم زیادی فرزندان است، البته نه بدین معنا که منظور از کوثر، تمامی فرزندان پاک رسول خدا(ص) باشد، بلکه - به حسب ظاهر - مقصود یک فردی است که از او کثرت حاصل می شود. چرا که از نظر لغت و موارد استعمال، کلمه کوثر مترادف با شیء کثیر نیست بلکه به معنای چیزی است که زیاد بودن در خور اوست. همان گونه که مرحوم شیخ طوسی در تفسیر تبیان آورده است:

الكوثر هو الشيء الذي من شأنه الكثرة و به خیر کثیر نیز معنا کرده است.^۵

آیه **«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ»** ظهور دارد که خداوند متعال کوثر را عطا فرموده و این انعام تحقق یافته است و در مقام امتنان، فعل ماضی استعمال شده و مفاد آن این است که ما کوثر را به تو دادیم. بنابراین منظور از کوثر نمی تواند امت اسلام یا علمای مسلمان و حتی زیادی فرزندان باشد، زیرا زیادی فرزندان در آن هنگام وقوع خارجی نداشته است و «إِنَّا

شائک هو الأبر» در غیر نسل ظهور ندارد. ۶

نکاتی چند از این آیات به دست می آید:

۱. حق تعالی دودمان پیامبر اکرم (ص) را زیاد خواهد کرد. ۲. این دودمان همواره باقی خواهد ماند و هیچ وقت منقرض نمی شود. هرچند دشمنان پیامبر (ص) نیز چند صباحی دارای نسل بودند ولی بالاخره اثری از آنها نیست، بر خلاف این دودمان که به عنوان انتساب به آن حضرت موجودند. ۳. آنچه منشأ کثرت نسل است حق تعالی عطا کرده اگر چه خود کثرت هنوز تحقق نیافته و وقوع خارجی ندارد. ۴. از عبارت «فصل لربک و انحر»؛ به شکرانه این نعمت برای خدا نماز بخوان، معلوم می شود که ذریه رسول اکرم (ص) کسانی هستند که دعوت و مقصد او را تقویت کرده و نام او را زنده نگه می دارند و هدف مقدسش را دنبال می کنند و گرنه داشتن فرزندان فاسد نه فضیلتی برای پیامبر اسلام (ص) محسوب می شود و نه قابل امتنان و شایسته شکر و قدردانی است. ۷

این سوره به شهادت سیاق آیاتش در مکه نازل شده است، کوثر بر وزن فوعّل یعنی چیزی که کثرت از شأن آن است و برای کوثر معانی گوناگون ذکر کرده اند از قبیل: خیر کثیر، رودی در بهشت، حوض پیامبر (ص) در بهشت، حوض پیامبر (ص) در محشر، اولاد پیامبر (ص)، اصحاب و پیروان پیامب (ص) تا روز قیامت، علمای امت او، قرآن، نبوت، تخفیف شرایع، اسلام، توحید، علم و حکمت، فضائل پیامبر، مقام محمود و... که دو قول نخست (خیر کثیر - رودی در بهشت) مستند به روایات است، اما سایر اقوال خالی از تحکّم نیست. منظور از عبارت «إنّ شائک هو الأبر» همان کثرت ذریه است زیرا مراد از ابر در اینجا کسی است که نسلش منقطع باشد در غیر این صورت آوردن چنین جمله ای خالی از فایده خواهد بود. ۸

لفظ متکلم مع الغیر «إنا أعطینا» بر عظمت این اعطا دلالت دارد و چون تطیب نفس پیامبر (ص) و دلداری آن حضرت در کار است جمله با إنّ تأکید شده و ظاهر اعطا همان تملیک است. این جمله دلالت دارد که اولاد فاطمه در واقع ذریه پیامبر (ص) محسوب می شوند و خداوند نسل پیامبر (ص) را چنان زیاد کرد که هیچ نسلی چنین کثرتی نیافته است با اینکه انواع مصائب و گرفتاری ها بر این نسل وارد آمد و خیلی از آنها قتل عام شدند. ظاهر عبارت «فصل لربک و انحر» و تفریع نماز و نحر بر امتنان در عبارت «إنا

أعطيناك الكوثر» نوعی شکر نعمت محسوب می شود، بدین معنا که در مقابل نعمت اعطای کوثر با نماز و قربانی شکر بجای بیاور. منظور از نحر - همان گونه که در روایات آمده - بالا بردن دست ها در تکبیر نماز است، برخی نحر را قربانی کردن شتر معنا کرده اند.^۹

شأن نزول

این سوره وقتی نازل شد که بعد از وفات پسران پیامبر (ص) به نام های قاسم و عبدالله آن حضرت را ابتر می خواندند و روایات وارده در این باره مستفاضه است. در *دُرّ المنثور* به نقل از ابن عباس آورده است:

الكوثر الخیر الذی أعطاه إياه، كوثر همان خیر کثیری است که خداوند به پیامبرش اعطا کرده است. قال ابو بشر: قلت لسعيد بن جبیر فَإِنْ أَنَسَا يَزْعُمُونَ أَنَّهُ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ قَالَ: النَّهْرُ الذِّي فِي الْجَنَّةِ مِنَ الْخَيْرِ الذِّي اعطاه اللهُ إِيَّاهُ. ابو بشر می گوید به سعید بن جبیر گفتم: عده ای از مردم خیال می کنند کوثر رودی در بهشت است، گفت: آن رود از مصادیق خیر کثیری است که خداوند به پیامبرش اعطا فرموده است. باز در همان کتاب به نقل از ابن عباس آورده است: ... ثُمَّ مَاتَ عَبْدُ اللَّهِ فَقَالَ الْعَاصُ بْنُ وَائِلٍ السَّهْمِيُّ قَدْ انْقَطَعَ نَسْلُهُ فَهُوَ أَبْتَرٌ فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ، وقتی فرزند رسول خدا (ص) بنام عبدالله وفات یافت عاص بن وائل سهمی گفت: نسلش قطع شد که خداوند این سوره را نازل کرد.^{۱۰}

به درستی که ما بدادیم تو را یا محمد خیر بسیار در این جهان و فضل و ثواب بسیار در آن جهان. کوثر قوعل بود از کثرت، همه کرامات پیامبر در این در آید که هیچ کرامتی را خدای تعالی از مصطفی دریغ نداشت. بدرستی که آن دشمن توست دنبال بریده و بی نسل و بی نژاد؛ پس عاص بن وائل ابتر بود نه رسول، زیرا که ابتر نه آن بود که او را پسر نبود، ابتر آن بود که از او ذکری نماند.^{۱۱}

روی سخن در این سوره و سوره های ضحی و انشراح با پیامبر اکرم (ص) است و یکی از اهداف این سه سوره، تسلی خاطر آن حضرت در برابر انبوه حوادث دردناک و زخم زبان دشمنان اسلام است. کوثر، خیر و برکت فراوان است و یکی از مصادیق آن فاطمه زهرا (س) می باشد که با شأن نزول سوره نیز تناسب دارد. چرا که نسل و ذریه پیامبر اکرم (ص)

بواسطه همین دختر گرامی در جهان انتشار یافت و علاوه بر تداوم نسل، آیین محمدی و ارزش های مکتب او حفظ شد.

آیات سوره ضحی با لحن لطف آمیزی الطاف الهی را برای پیامبر اکرم (ص) بازگو می کند، و با ترسیم گذشته آن حضرت یادآور می شود که خداوند همواره او را مشمول عنایت خود قرار داده و در سخت ترین لحظات از وی حمایت کرده است. در این دو سوره محور سخن، مواهب الهی بر پیامبر اسلام (ص) است که پیوسته شامل حال آن جناب می شد. سوره ضحی یادآور چند موهبت مادی و معنوی بوده و سوره انشراح سه موهبت معنوی را مطرح کرده است.

نگرانی رسول خدا (ص) از این بود که مبدا رسالتش دوام نیاورد و یا پیشرفت نداشته باشد، و همواره آرزو داشت سختی ها هموار شود و مسؤلیت رسالت الهی به انجام برسد و مردم در پرتو دین خدا هدایت و تربیت شوند. با تولد حضرت زهرا (ص) که تداوم رسالت نبوی را نوید می داد، سوره کوثر نازل شد و پیامبر اسلام (ص) را به آینده ای روشن بشارت داد و آن جناب را در راستای تبلیغ دین دلگرمی بخشید. در سوره ضحی عنایات دایمی پروردگار بر رسولش یادآوری می شود و آینده درخشانی برای آن حضرت نوید می دهد. در سوره انشراح نعمت های معنوی خداوند بر آن حضرت - که برای پیشرفت رسالت الهی و پیروزی مکتب توحید ارزانی شده - مطرح است. مژده باد که بارفع مشکلات، آیین محمدی عالم گیر می شود و این رسالت الهی با موفقیت به سرانجام می رسد.

با گسترش تفکر توحیدی توسط پیامبر اکرم (ص) و گرایش مردم به دین الهی، اسلام به عنوان دینی مستقل و مکتبی پایدار در آمد و برتری آن بر سایر آیین ها روز به روز آشکار گشت. این معنا را می توان از مفاد سوره نصر و کافرون دریافت و به روند رشد و اقتدار اسلام پی برد. دشمنان اسلام که آن را یکه تاز میدان تفکر دینی می دیدند و پیشرفت روز افزون دین خدا را شاهد بودند، از شکست اسلام ناامید شده و به ناتوانی خود در مقابله با آن اعتراف کردند. و تنها امیدشان این بود که بقای اسلام با عمر رسول خدا (ص) پیوند خورده و با رحلت او همه چیز تمام می شود و اثری از آیین محمدی باقی نمی ماند. از این رو چنین آینده ای را انتظار می کشیدند و بدان دلخوش بودند. این تفکر عوامانه با مرگ پسر پیامبر به نام عبدالله تشدید شد و مخالفان اسلام خیال کردند آیین رسول خدا (ص) با نبود پسر ادامه

نمی‌یابد و به سرانجام نمی‌رسد. غافل از این که دوام و پایداری رسالت نبوی از طریق کوثر زهرای اطهر (س) تضمین شده و خداوند خود حافظ و پشتیبان دین محمدی است.

این سوره در شأن حضرت زهراست که بعد از تولد آن بانوی دو عالم نازل شده و اعطای عنایات الهی را در حق نبی اکرم (ص) گوشزد می‌کند. کوثر به معنای خیر کثیری است که خداوند متعال بر پیامبرش ارزانی داشته و بارزترین مصداق آن وجود پر برکت زهرای اطهر (س) است. و سایر مصداق خیر کثیر مثل حوض کوثر، نهری در بهشت، کثرت اولاد و پیروان پیامبر اسلام (ص) همگی در ضمن این هدیه پروردگار محقق شده است.

نسل حضرت زهرا (س) اولاد رسول خدا (ص) محسوب می‌شوند و با این که ذریه پیامبر و سلسله سادات در طول تاریخ با مصائب فراوانی مواجه شده و بارها به تیغ قتل عام دچار آمده‌اند، اما این نسل مبارک به شکل معجزه‌آسایی پایدار مانده است. از همه مهم‌تر ائمه اطهار (ع) که جانشینان برحق پیامبر اند از نسل پاک آن بانوی مکرم و فرزندان او هستند. و بدین سان وجود فاطمه زهرا (س) دوام رسالت نبوی را تضمین کرد و رهبران دین الهی را در دامن خویش تربیت نمود. این معنا با سیاق آیات سوره به ویژه عبارت «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» هماهنگی بیشتری دارد.

وجود مبارک فاطمه زهرا (س) موجب یأس مخالفان اسلام شد و با آمدن او سلسله رسول خدا (ص) ادامه یافت. و این دشمنان پیامبر بودند که در نهایت، ابتر گشتند و اثری از نام و مراسمشان باقی نماند. اما نام و یاد پیامبر اسلام و مکتب انسان‌ساز او بلند آوازه شد و همواره زنده است. و در آخر نیز به دست توانای مهدی موعود (عج) به پیروزی کامل نایل خواهد آمد و این منجی بشریت و احیاگر دین الهی از تبار حضرت زهراست.

اعطای کوثر زهرا (س) تحقق وعده «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» است که هنگام تولد آن بانوی گرامی در سال دوم بعثت عملی شد. ضحی یازدهمین، انشراح دوازدهمین و کوثر پانزدهمین سوره‌ای است که در مکه بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است. در برخی از روایات، عطای رضایت‌بخش پروردگار به رسول خدا (ص) شفاعت آن حضرت برای امتش بیان شده است.

پیامبر گرامی اسلام پس از تولد زهرا که با مژده پروردگار از آینده و ادامه مکتب خود مطمئن شد، با دلگرمی بیشتر به تبلیغ آن پرداخت و در راه اعتلای کلمه توحید از هیچ کوششی فروگذار نکرد. زیرا آن جناب نیک می‌دانست که دشمنان بیرونی توان مقابله با

اسلام را ندارند و دیر یا زود به نابودی می‌گرایند. لذا به نظر می‌رسد محور موضوعی سوره کوثر، اطمینان خاطر به ادامه مکتب توحید و عدم نگرانی از آینده آن است.

از میان صد و چهارده سوره قرآن کریم، چهار سوره با کلمه «إِنَّا» آغاز شده است: سوره‌های فتح، نوح، قدر و کوثر. «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» ما برای تو پیروزی آشکار قرار دادیم. «إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا» ما نوح را به سوی مردم فرستادیم. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثُرَ» ما به تو کوثر عطا کردیم. در آغاز یکی از این چهار سوره، از حضرت نوح که اولین پیامبر اولوالعزم است و بعد از حضرت آدم پدر دوم انسان محسوب می‌شود، سخن به میان آمده است. در آغاز سه سوره دیگر، به نعمت‌های ویژه‌ای همچون نزول قرآن، پیروزی آشکار و عطای کوثر اشاره شده است. شاید میان این چهار موضوع ارتباطی باشد که یکی رسالت اولین پیامبر اولوالعزم، دیگری نزول آخرین کتاب آسمانی، سومی پیروزی مکتب اسلام و چهارمی تداوم خط رسالت ابتر نماندن آن را بیان می‌کند.^{۱۲}

هر چه ضربه به دین و مقدسات دینی شدیدتر باشد، دفاع هم باید قویتر باشد. به شخص پیامبر اکرم (ص) اهانت کرده و او را ساحر، کاهن و مجنون خواندند و یارانش را نیز آماج توهین و شکنجه قرار دادند. برای هیچ کدام سوره‌های مستقل نازل نشد ولی در اینجا یک سوره کامل فرود آمد که خیر کثیر به تو عطا کردیم و دشمن تو ابتر است. سر مطلب آن است که جسارت به شخص و یاران قابل تحمل است اما جسارت به مکتب و رهبر قابل تحمل نیست.^{۱۳}

مقام و عظمت زهرا (س)

مرحوم شیخ طوسی در کتاب امالی از عایشه نقل کرده است:

در میان مردم از نظر تکلم و گفت و گو کسی را شبیه‌تر از فاطمه به پیغمبر اکرم ندیدم، وقتی فاطمه بر آن حضرت وارد می‌شد پیامبر به او خوش آمد می‌گفت و دست‌های نازنین او را می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشاند و هنگامی که رسول خدا (ص) بر فاطمه وارد می‌شد او از جایش برمی‌خاست و به پیغمبر اکرم (ص) خوش آمد می‌گفت و دست‌های مبارک او را می‌بوسید.^{۱۴}

امام صادق (ص) درباره وجه تسمیه حضرت زهرا (س) می‌فرماید:

سَمِيَتِ الزَّهْرَاءُ لِأَنَّهَا كَانَتْ تَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي النَّهَارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِالنُّورِ ١٥؛
حضرت زهرا، زهرا نامیده شده به خاطر اینکه در روز سه مرتبه برای امیرمؤمنان
درخشش نورانی داشت.

طبری در کتاب دلائل الامامه، در نامگذاری آن حضرت به فاطمه از رسول خدا نقل
کرده است که فرمود:

لَأَنَّهَا فُطِمَتْ هِيَ وَشِيعَتُهَا وَذُرِّيَّتُهَا مِنَ النَّارِ ١٦؛ زیرا او و شیعیان و ذریه اش از
آتش بازداشته شده اند.

و نیز آورده است:

أَنَّهَا سُمِيَتِ الزَّهْرَاءُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَهَا مِنَ نُورِ عَظْمَتِهِ ١٧؛ زهرا نامیده شده
زیرا خداوند او را از نور عظمت خود آفریده است.

شیخ صدوق در کتاب عیون أخبار الرضا از امیرمؤمنان و آن حضرت از رسول خدا
نقل کرده است که فرمود:

پروردگار سبحان به من فرمود؛ لو لَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كَفْوُ عَلِيٍّ
وَجِهِ الْأَرْضِ مِنَ آدَمَ قَمَنَ دُونَهُ ١٨؛ اگر علی را نیافریده بودم برای دخترت فاطمه،
از اولین و آخرین همشان و همتایی نبود.

طبری در کتاب دلائل الامامه همین روایت را با جمله اضافی نقل کرده است:

إِنَّ فَاطِمَةَ خَلِقَتْ حُورِيَّةً فِي صُورَةِ إِنْسِيَّةٍ وَإِنَّ بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَحِضْنَ وَ لَوْ لَا عَلِيٌّ
لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كَفْوُ عَلِيٍّ وَجِهِ الْأَرْضِ مِنَ آدَمَ قَمَنَ دُونَهُ ١٩؛ براستی فاطمه فرشته‌ای
است که به صورت آدمیان آفریده شده و همانا دختران پیامبران حیض نمی بینند. و
اگر علی نبود برای فاطمه از اولین و آخرین همشان و همتایی وجود نداشت.

تولد فاطمه زهرا(س)

همان گونه که در تاریخ وفات حضرت زهرا(س) اختلاف نظر وجود دارد، در مورد تولد
آن بانوی بزرگوار نیز چندین نظریه ارائه شده است. اغلب علمای اهل سنت تولد آن حضرت
را پنج سال پیش از بعثت نبی اکرم(ص) می دانند و در میان شیعه، پنج سال بعد از بعثت
شهرت بیشتری دارد. در کنار این دو قول، نظریه سومی وجود دارد که بر تولد آن بانو در سال

دوم بعثت تأکید می کند. قرائنی وجود دارد که صحت نظریه سوم را تأیید می کند از جمله:
۱. بزرگانگی همچون؛ مرحوم شیخ مفید^(ه)، مرحوم شیخ طوسی^(و)، مرحوم شیخ کفعمی^(ز) و تاریخ دان معروف، یعقوبی، که در قرون پیش و نزدیک به صدر اسلام زیسته اند، تولد آن بانوی بزرگوار را در سال دوم بعثت دانسته اند.^{۲۰}

۲. در روایات وارد شده که نطفه حضرت زهرا(س) در شب معراج از میوه ها و غذاهای بهشتی بسته شده است و جریان معراج رسول خدا(س) قطعاً بعد از بعثت آن جناب بوده و عده ای آن را در سال دوم بعثت دانسته اند.

رسول خدا(س) ضمن بیان معراج خود فرمودند:

در شب معراج سبب بهشتی به من دادند و نطفه دخترم زهرا از آن میوه تکوین یافت.^{۲۱}

امام صادق(ع) در این باره می فرماید:

پیامبر اکرم(ص) حضرت زهرا(س) را بسیار می بوسید و این امر بر عایشه گران آمد و بر پیامبر(ص) اعتراض کرد، رسول خدا(ص) فرمود: یا عائشة إني لَمَّا أُسْرِي بي إلى السماء دخلت الجنة فأدناني جبرئيل من شجرة طوبى و ناولني من ثمارها فأكلته فحول الله ذلك ماءً في ظهري فلما هبطت إلى الأرض وقعت خديجة فحملت بفاطمة فما قبلتها قط إلا وجدت رائحة شجرة طوبى منها.^{۲۲}

ای عائشه در آن شبی که مرا به سوی آسمان بردند داخل بهشت شدم جبرئیل مرا نزدیک درخت طوبی برد و از میوه آن به من داد من آن میوه را خوردم خداوند آن را در صلب من تبدیل به نطفه کرد و هنگامی که به زمین آمدم با همسرم خدیجه همبستر شدم وی به فاطمه حامله شد، بدین جهت من هرگاه فاطمه را می بوسم بوی درخت طوبی را از او می یابم.

در حدیثی مفصل آمده است: روزی رسول خدا(ص) در زمین ریگزاری نشسته بودند و جمعی از صحابه از جمله علی(ع) و عمار نیز حضور داشتند که جبرئیل امین فرود آمد و عرض کرد: ای محمد خداوند بلند مرتبه ضمن سلام می فرماید: باید چهل شبانه روز از خدیجه دوری اختیار کنی!... با این فرمان، رسول خدا(ص) چهل شبانه روز از خدیجه دوری گزید، روزها روزه می گرفت و شب ها به عبادت می پرداخت. آن حضرت توسط عمار برای خدیجه پیام فرستاد؛ ای خدیجه گمان مبری که این کناره گیری من از تو به خاطر بی اعتنائی

یا کدورتی است بلکه پروردگارم چنین فرمانی داده تا آنچه اراده فرموده محقق گردد... وقتی چهل روز کامل شد امین وحی فرود آمد و عرض کرد: ای محمد خداوند بلند مرتبه ضمن سلام می فرماید: برای پذیرفتن هدیه و تحفه ما آماده باش... در همین حال جناب میکائیل فرود آمد و همراه خود طبقی را آورد و در مقابل رسول خدا بر زمین نهاد. جبرئیل جلو آمد و به پیغمبر عرض کرد: ای محمد پروردگارت فرموده است که امشب با این غذا افطار کن... حضرت بعد از افطار با طعام بهشتی آماده عبادت شد جبرئیل پیش آمد و عرض کرد اکنون وقت نماز خواندن نیست بلکه باید به خانه خدیجه روی و با او همبستر شوی خداوند متعال اراده فرموده است امشب از صلب شما فرزندی پاک بیافریند...^{۲۳}

در زیارت آن حضرت نیز می خوانیم:

فاطمة بنت رسول الله و بضعة لحمه و صمیم قلبه و فلذة كبده و التحية منك له و التحفة^{۲۴}؛ فاطمه دختر رسول خدا، پاره تن او، قوام قلب و پاره جگر اوست و آنکه هدیه و تحفه پروردگار برای پیامبر بود.

۳. پیامبر اکرم (ص) پس از نزول آیاتی از سوره حجر^{۲۵} ضمن ایراد خطبه ای شیوا میان مسلمانان عقد اخوت برقرار کردند و علی (ع) را به عنوان برادر خود انتخاب فرمودند، در این خطبه چندین بار به اعطای کوثر اشاره شده است که نشان از اهمیت آن دارد. در این عبارات، نعمت کوثر در کنار مقام رسالت بیان شده و غیر از مقام شفاعت رسول خدا (ص) مطرح شده است:

أيها الناس أنا عبد الله، أنا نبي الله، أنا حجة الله، أنا رسول الله... أنا صاحب الشفاعة الكبرى، أنا صاحب الكوثر والوآء... أنا محمد في السماوات والأرضين، أنا صاحب الكوثر في المجمع والمصدر... ألا وإن علياً حقيق لمعرفة مخصص به حسب من حسبي ونسبه من نسبي و سننه متعلقة بسنتي فعلي أخى و ابن عمي أوتيت الرسالة والحكمة و أوتي على العلم و العصمة أوتيت الدعوة و القرآن و أوتي على الوصية و البرهان... بشرت بالرسالة و الكوثر و بشر على بالصرائط المستقيم خصصت بخديجة الكبرى و خصص علي بزوجه فاطمة خيرة النساء...^{۲۶}

ای مردم! من بنده خدا هستم، من پیامبر خدا هستم، من حجت خدا هستم، من فرستاده خدا هستم... من دارای شفاعت بزرگ هستم، من دارای کوثر و پرچم هستم... من در آسمان ها و زمین محمد هستم، من در مجمع و مصدر صاحب

کوثرم... آگاه باشید علی سزاوار شناسایی است، معرفت و شناختی که ویژه اوست، حسب او از حسب من و نژاد او از نژاد من و روش او همان روش من است، پس علی برادر و پسرعموی من است، بر من رسالت و حکمت و بر علی علم و عصمت عطا شده است، به من دعوت و قرآن داده شده است و به علی وصایت و برهان... من به رسالت و کوثر مژده داده شده‌ام و علی به صراط مستقیم، خدیجه کبرا برای من انتخاب شده است و فاطمه، برگزیده زنان، برای علی...
 ۴. نماز از اولین احکام اسلامی است که در شب معراج تشریح شده و در اوایل بعثت رسول خدا(ص) به همراه خدیجه(س) و علی(ع) سه نفری به نماز می ایستادند. بنابراین معراج آن حضرت در سال‌های نخست بعثت صورت گرفته است.

۵. از مسلمات تاریخ است که دختر پیامبر(ص) در سال دوم هجرت در مدینه با امیرمؤمنان علی(ع) ازدواج کرده و در سال سوم هجری امام حسن مجتبی(ع) متولد شده است، آن بانوی گرامی در سال یازدهم هجری پس از چند ماه از رحلت رسول خدا(ص) وفات یافته است.

۶. در کتب تاریخی آمده که موقع تولد زهرا(س) زنان قریش، جناب خدیجه را تنها گذاشتند و در جریان زایمان، او را همراهی نکردند. بدیهی است که پس از بعثت پیامبر(ص) و مسلمان شدن خدیجه، مشرکان قریش با رسول خدا(ص) و خانواده او به مخالفت پرداخته و سعی در انزوای آنها داشتند.

در کتاب «الثاقب فی المناقب»، به نقل از ابن عباس آمده است:

در روز تولد حضرت زهرا(س) رسول خدا(ص) وارد اتاق جناب خدیجه شد و فرمود: یا خدیجة لاتحزنی إن کان قد هجرک نسوان مکة و لیدخلن علیک... ای خدیجه از این که زنان مکه تو را ترک کرده و در این موقعیت حساس به یاری تو نیامدند غمگین مباش زیرا همین امروز گروهی از بانوان زیبای بهشتی نزد تو فرود می آیند... این بانوان فرود آمدند و به حضرت خدیجه سلام کرده و به بهترین وجه تحیت گفتند. ۲۷

۷. در صورتی که تولد آن بانوی گرامی را پنج سال قبل از بعثت بدانیم، موقع ازدواج بایستی بیست ساله می بود که با عرف آن زمان منطقه حجاز همخوانی ندارد.

۸. سوره کوثر در شأن حضرت زهرا(س) نازل شده و تولد آن بانو را هدیه پروردگار به نبی مکرم اسلام(ص) اعلام کرده است. نزول قرآن از جمله این سوره قطعاً بعد از بعثت پیامبر(ص) بوده و بر تولد فاطمه زهرا(س) پس از بعثت اشاره دارد.

۹. اگر تولد آن حضرت را پنج سال پس از بعثت بدانیم، موقع ازدواج نه ساله بوده و در ده سالگی بچه دار شده است که چنین امری بعید به نظر می رسد. از طرفی جناب خدیجه در چهل سالگی با رسول خدا(ص) - که بیست و پنج ساله بوده - ازدواج کرده است و در سال پنجم بعثت شصت ساله خواهد بود، و بارداری وی با دوران یائسگی مصادف می شود.

۱۰. تولد آن حضرت در اغلب روایات، همزمان با تجدید بنای کعبه بیان شده است که رسول خدا(ص) - به عنوان داور - در نصب حجرالاسود ابتکار به خرج داد و مانع اختلاف و خونریزی در میان سران قریش گردید. ۲۸ از این رو بسیاری از دانشمندان اهل سنت تولد آن بانو را پیش از بعثت دانسته اند زیرا قبل از بعثت، رسول خدا(ص) به عنوان شخصیتی برجسته مورد احترام قریش بوده و به «محمد امین» شهرت داشت و داوری آن جناب در جریان نصب حجرالاسود قطعاً پیش از بعثت بوده است چرا که بعد از بعثت، مشرکان قریش با او میانه ای نداشتند و با آیین او مخالف بودند و هرگز او را به عنوان داور انتخاب نمی کردند. در این باره می توان گفت: از آنجا که در سه سال نخست بعثت هنوز دعوت علنی به اسلام آغاز نشده بود سران قریش با آن حضرت مخالفتی نداشتند و پذیرش آن جناب به عنوان داور در نصب حجرالاسود تا آن موقع بعید نیست و می تواند در سال دوم بعثت همزمان با تولد فاطمه زهرا(س) صورت گرفته باشد.

در صورتی که نظریه سوم را بپذیریم و تولد آن حضرت را در سال دوم بعثت بدانیم، موقع ازدواج سیزده ساله بوده و در زمان وفات بیست و سه سال داشته است. با قبول این نظریه اشکالات فوق تا حدودی مرتفع می شود.

۱. الكوثر؛ قيل هو نهر في الجنة يشعب عنه الانهار و قيل بل هو الخير العظيم الذي أعطاه النبي، عدهای کوثر را به معنای رودی در بهشت دانسته اند ولی کوثر همان خیر بسیار است که خداوند برای پیامبر(ص) اعطا کرده است. مفردات راغب اصفهانی، ذیل ماده کثر.

۲. این شخص همان پدر عمرو عاص است که از سران مشرکان مکه بود.

۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، ۶۰۷/۱۲.

۸. سوره کوثر در شأن حضرت زهرا(س) نازل شده و تولد آن بانو را هدیه پروردگار به نبی مکرم اسلام(ص) اعلام کرده است. نزول قرآن از جمله این سوره قطعاً بعد از بعثت پیامبر(ص) بوده و بر تولد فاطمه زهرا(س) پس از بعثت اشاره دارد.

۹. اگر تولد آن حضرت را پنج سال پس از بعثت بدانیم، موقع ازدواج نه ساله بوده و در ده سالگی بچه دار شده است که چنین امری بعید به نظر می رسد. از طرفی جناب خدیجه در چهل سالگی با رسول خدا(ص) - که بیست و پنج ساله بوده - ازدواج کرده است و در سال پنجم بعثت شصت ساله خواهد بود، و بارداری وی با دوران یائسگی مصادف می شود.

۱۰. تولد آن حضرت در اغلب روایات، همزمان با تجدید بنای کعبه بیان شده است که رسول خدا(ص) - به عنوان داور - در نصب حجرالاسود ابتکار به خرج داد و مانع اختلاف و خونریزی در میان سران قریش گردید. ۲۸ از این رو بسیاری از دانشمندان اهل سنت تولد آن بانو را پیش از بعثت دانسته اند زیرا قبل از بعثت، رسول خدا(ص) به عنوان شخصیتی برجسته مورد احترام قریش بوده و به «محمد امین» شهرت داشت و داوری آن جناب در جریان نصب حجرالاسود قطعاً پیش از بعثت بوده است چرا که بعد از بعثت، مشرکان قریش با او میانه ای نداشتند و با آیین او مخالف بودند و هرگز او را به عنوان داور انتخاب نمی کردند. در این باره می توان گفت: از آنجا که در سه سال نخست بعثت هنوز دعوت علنی به اسلام آغاز نشده بود سران قریش با آن حضرت مخالفتی نداشتند و پذیرش آن جناب به عنوان داور در نصب حجرالاسود تا آن موقع بعید نیست و می تواند در سال دوم بعثت همزمان با تولد فاطمه زهرا(س) صورت گرفته باشد.

در صورتی که نظریه سوم را بپذیریم و تولد آن حضرت را در سال دوم بعثت بدانیم، موقع ازدواج سیزده ساله بوده و در زمان وفات بیست و سه سال داشته است. با قبول این نظریه اشکالات فوق تا حدودی مرتفع می شود.

۱. الکونثر؛ قیل هو نهر فی الجنة یتشعب عنه الانهار و قیل بل هو الخیر العظیم الذی اعطاه النبی، عدهای کوثر را به معنای رودی در بهشت دانسته اند ولی کوثر همان خیر بسیار است که خداوند برای پیامبر(ص) اعطا کرده است. مفردات راغب اصفهانی، ذیل ماده کثر.

۲. این شخص همان پدر عمرو عاص است که از سران مشرکان مکه بود.

۳. تفسیر نور، محسن قرآنی، ۶۰۷/۱۲.

۴. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، ۶/۲۷۶-۲۸۱ با اندکی تلخیص.
۵. تبیان، ۱۰/۴۱۷، به نقل از مجله آفاق نور، شماره اول/۷۱-۷۲.
۶. مجله آفاق نور، شماره اول/۷۳.
۷. همان/۷۳-۷۴.
۸. و لو لا ذلك لكان تحقيق الكلام بقوله «إنَّ شانك هو الاثر» خالياً عن الفائدة. الميزان، علامة طباطبائی، ۲۰/۴۲۸-۴۳۱، با اندکی تلخیص.
۹. همان.
۱۰. همان.
۱۱. تفسیر سوراآبادی، ابوبکر عقیق نیشابوری، ۴/۲۸۷۹-۲۸۸۱، با اندکی تلخیص.
۱۲. تفسیر نور، ۱۲/۶۰۹.
۱۳. همان.
۱۴. قطره‌ای از دریای فضائل اهلبیت، سید احمد مستنبت، ۱/۴۲۷-۴۲۸، به نقل از امالی شیخ طوسی/۴۰۰، ح ۴۰، مجلس ۱۴؛ بحار الانوار، ۴۳/۲۵، ح ۲۲.
۱۵. همان/۴۰۹، به نقل از علل الشرایع، ۱/۱۸۰، ح ۲؛ بحار الانوار، ۴۳/۱۱، ح ۲.
۱۶. همان، به نقل از دلائل الامامه/۱۴۹، ح ۶۰؛ کشف الغمه، ۱/۴۶۴، به روایت از امام باقر(ع).
۱۷. همان.
۱۸. همان/۴۲۳، به نقل از عیون أخبار الرضا، ۱/۱۷۷، ح ۳ و ۴؛ بحار الانوار، ۴۳/۹۲، ح ۳.
۱۹. همان، به نقل از دلائل الامامه/۱۴۶، ح ۵۲؛ بحار الانوار، ۸۱/۱۱۲، ح ۳۷.
۲۰. مرحوم شیخ طوسی سن حضرت زهرا(س) را موقع ازدواج سیزده سال دانسته است. مصباح المتعجد/۵۶۱. یعقوبی نیز سن آن حضرت را در موقع وفات بیست و سه سال نوشته است. تاریخ یعقوبی، ۲/۹۵. مرحوم علامه مجلسی نیز تولد فاطمه زهرا(س) را در سال دوم بعثت دانسته است. بحار الانوار، ۲۲/۱۵۲، ح ۴، به نقل از مجله آفاق نور، شماره اول/۷۲.
۲۱. بحار الأنوار، ۴۳/۵، به نقل از علل الشرایع.
۲۲. تفسیر قمی، ۱/۳۶۵؛ بحار الأنوار، ۱۸/۱۲۰.
۲۳. قطره‌ای از دریای فضائل اهلبیت، ۱/۴۲۶-۴۲۳، به نقل از بحار الانوار، ۱۶/۷۸.
۲۴. همان/۴۲۶، به نقل از بحار الانوار، ۱۰۰/۲۰۰.
۲۵. «إنَّ المتقين فی جنات و عیون. ادخلوها بسلام آمین. و نزعنا ما فی صدورهم من غل إخوانا علی سرر متقابلین. لا یسهم فیها نصب و ما هم منها بمخرجین. سورة حجر، آیات ۴۵-۴۸.
۲۶. همان، ۲/۳۳۹-۳۴۰.
۲۷. همان، ۲/۴۱۸.
۲۸. زندگانی فاطمه زهرا، سید جعفر شهیدی/۲۶.